

شرح جلسه اول

در ابتدای این جلسه دکتر علی زنگوئی معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه، ضمنتسلیت ایام و تشکر از حضار به ذکر سخنی از حضرت رسول اکرم(ص) اشاره کرد که: **((حسین منی و انا من الحسین))**

سوال این که دال اصلی قیام ابا عبدالله چیست؟

یک نکته مرتبط با عاشورا و امام حسین مسئله عدالت است که زیر بنای اخلاق انسانی می باشد و عدالت یعنی یک نوع اعتدال که نه افراط در آن باشد و نه تفریط. اخلاق یعنی یک نوع هارمونی بین صفات انسان.

حال که در طول تاریخ عزاداری های ملت ما برای امام حسین (ع) کم نظیر بوده چرا باعث نشده که اخلاق بیشتر در جامعه رعایت شود؟ و چرا نمی توان از رفتارهای اخلاقی که لازم است خیلی بیشتر از این در جامعه منتشر شود، بوی امام حسین را استشمام کرد؟

شاید یک نظر این باشد که ما برای امام حسین (ع) عزاداری می کنیم که به بهشت برویم و بخشیده شویم. این می تواند دلیل رفتن به بهشت باشد. اما این طور نیست که صرفا این کار ما را به بهشت برساند. لازم است عشق شدید به امام حسین (ع) در درون هر فرد وجود داشته باشد تا الگو برداری کند از امام و عدالت و اخلاق را رعایت کند. لازم است وفای به عهد و اخلاق و صداقت و عدالت را در زندگی به جا آوریم و عشق به امام داشته باشیم که در دنیا و آخرت سعادت مند باشیم و بهشت پاداش این موارد باشد...

در ادامه حجت الاسلام والمسلمین عماد به ذکر خاطره از آقای آملی در مورد این که به ما رحم کنید و اینقدر تعریف و تمجید نکنید پرداخت. وی گفت: این برنامه ها یک فرصت است و یک امتحان. با آرزوی قبولی عزاداری برای همه و آرزوی شفاعت حضرت، پناه می بریم به سخن حضرت علی (ع):

((خدایا ما را از آنچه بر ما گمان می برند بهتر قرار بده و در مورد آنچه تو میدانی و آنان نمی دانند، آن را بر ما ببخش.))

تحقق شفاعت امام حسین(ع) در آخرت صورت می پذیرد، تا انسان در این دنیا شفیع امام حسین (ع) نشود، امام شفیع او نمی شود و شفیع از دو می آید یعنی به معنای دو لنگه در. شفیع یک معنای لغوی دارد که از هم سایگی و هم رنگی و هم سویی و همانندی و همراهی و زوج شدن می آید و یک معنای اصطلاحی دارد یعنی دستگیری و شفاعت کردن

تا در این دنیا شفاعت لغوی را نسبت به امام نداشته باشیم، در آخرت شفاعت اصطلاحی را از امام نخواهیم داشت.

به نظر آقای عماد مشکلی که در فهم و تحلیل بسیاری از وقایع اجتماعی و تاریخی با آن مواجه هستیم، این است که دال اولیه و محور اصلی واقعه را واکاوی درست و کامل نمی کنیم و چه بسا دال های پیوسته و هم معنا و همانند را در کنار محور اصلی فهم می کنیم و شاید به اشتباه جایگزینی نیز صورت بگیرد.

وقتی دال های پیرامونی دیده شده، اما رابطه آن را دال اصلی و محوری رؤیت نشده و حتی دال اصلی و محوری اصلا مشاهده نشده، در آن هنگام از فهم و تحلیل به بهره برداری و استنتاج درست نمی رسیم.

در زندگی تحولات زیادی دیده ایم که یک محور اصلی داشته اند و یک خانواده معنایی در کنار آن بوده است.

در تاریخ اسلام هم حوادثی رخ داده و پیچ های تاریخی که کلیدی بوده اند هر کدام با یک دال اصلی شکل گرفته اند.

آنچه رخ داده دارای همین ویژگی است و آنچه در آینده با ظهور حضرت مهدی(ع) رخ خواهد داد دارای همین تبیین است و برای آن دال محوری و مرکزی وجود دارد. خود بعثت که به عنوان نخستین گام تحولی است و محوریت کلان امور را تعیین کرده، براساس یک دال محوری صورت گرفته است. درست است که بعثت برای این است که انسان با خدای خود مواجه شود و با قیامت آشنا شود و زندگی انسانی شکل بگیرد و انگیزه های اصلی نمایان شود اما یک دال و اصل و محور دارد و آن عبارت است از کمال انسان.

پیامبر (ص) آمده است تا انسان ها را با همه ی توانایی ها در همه ی وجوه با وجود همه مشکلات و ظرفیت ها و با تمام تهدیدهای مقابل او ، او را به کمال برساند و این فلسفه ی اصلی نبوت است که انسان ظرفیت خود را به گونه ای شکوفا سازد که در مناسبات او با خدا به مرحله توحیدی برسد و شیعه حضرت علی (ع) باید توحیدی عمل کند.

دال مرکزی بعثت کمال یابی انسان است . و بعد از بعثت با یک پدیده دیگر مواجه می شویم و آن انسان به مسیر کمال راه یافته است و تربیت انسان هایی مانند ابوذر و سلمان با یک نظم اجتماعی و بر اساس رعایت حق و جامعه اسلامی شکل گرفت. مسئله غدیر احیای حق حاکمیت انسان به سرنوشت خود در سایه توحید و لطف پروردگار است .

پیامبر آمد تا نظام اجتماعی ویژه ای را در آن دوره شکل دهد که بر اساس شاخص های معلومی بود و چهارچوبی تشکیل شده از مشارکت مردمی.

بعد از پیامبر باید تکلیف آن روشن شود که حاکمیت باید دارای چه خصلت های باشد؟ اما قبل از آن لازم است به یک پرسش پاسخ داده شود : آیا فلسفه حکومت و غرض حکومت احقاق حق حاکم است یا احقاق حق مردم؟

آیا حکومت شکل می گیرد که حقوق حاکمان را محقق کند یا آمده تا حق باوری و اعتقاد و ایمان و زندگی مردم را محقق کند؟

اگر حکومت برای اقامه عدل و قسط و نظم در میان مردم است در حقیقت حق مردم اصل است و حق مردم است که حاکم انسان دوست و عادل و باورمند به کرامات انسانی داشته باشند و احقاق حق امت اسلامی در داشتن حاکم عدل است.

تمام دال محوری غدیر این است که گفته ما می خواهیم نظام اجتماعی بعد از پیامبر در دست عادل ترین و عالم ترین فرد باشد . که بعد از غدیر شوراها به میان آمد و فضایی که از قبل شکل گرفته بود تأثیر گذار شد و جامعه دچار بی عدالتی و عدم رعایت باورها شد.

امام دو نقش دارد . وظیفه اجتماعی که ناظر بر سپهر جامعه است و مرجعیت علمی و معنایی او.

در ادامه بعثت و غدیر قائل شدن کرامت انسانی و آزاده بودن برای خود است . اگر جای دال محوری با دال سطحی جایجا شود رهیافت های دقیق نخواهد بود . اگر حسین ابن علی (ع) در مقابل فسادهای گوناگون قیام کرده تشنگی و مصیبت را تحمل کرده یک دال مرکزی داشته است.

امام حسین (ع) قیام کرد تا به ما بگوید به سمت عدالت جویی بروید . اگر عدل حاکم شد توحید می آید و اخلاق می آید و پویایی جامعه شکل می گیرد پیشرفت حاصل می شود.

ویژگی نظام اجتماعی مطلوب پیامبر(ص) عدل به عنوان اساس ملک و شورا به عنوان رکنی دیگر که هر دو برای تحقق نظام اجتماعی مطلوب لازم است.

مشروعیت نهضت اسلامی بر گرفته شده از فلسفه عاشورایی است . اگر دال محوری را بشناسیم و مبنا قرار دهیم و سایر دوال که بسیار کلیدی و مهم است در فضا و همبستگی با حلقه اول و دوم و سوم تعریف کنیم خواهیم فهمید که بسیاری از مسائل که به عنوان دال مرکزی و حلقه اول قرار گرفته در اصل از حلقه های سوم و چهارم و بعدی است و باید اصل را در نهضت امام حسین (ع) یافت.

اگر انسان عادل شد محال است مشرک باشد . انسان موحد در رتبه های متعدد می تواند احيانا ظلم کند. اما انسان عادل نمی تواند موحد نباشد.

اگر انسانی به مرز عدالت برسد قطعاً موحد است و عید است در مقابل خدا و قطعاً حراست در مقابل قدرت های دیگر و سر به فرمان حق دارد . تسلیم فرمان احدی جز حق و عدل نمی شود . اصل وجودی مردم داری اصل رعایت حق مردم است.

اگر انسان به مرحله عدل عاقلانه و همه جانبه برسد به دنبال آن اخلاق و باور های او هم اصلاح می شود و این اصلاح شدن اشک معنا دار خواهد داشت که انسان را می برد به وادی گُر گرفتگی برای امام حسین (ع).

ابتدا باید باورمندانه به قیام امام نگاه کرد و بعد اشک ریخت و پاداش این اشک دستگیری امام خواهد بود.

یک تداومی های دیگری باعث گریه ها می شود . گریه بر خود یا بر مشکلات خود یا بر سخن مداح که به باور قیام حسین ابن علی (ع) مرتبط نیست و شفاعتی از این سو نشده که شفاعت امام را در پی داشته باشد.

سه واقعه پیشین داشتیم: بعثت، غدیر، عاشورا و واقعه ای که در انتظار آن هستیم ظهور است و عادلانه ترین رفتار این است که هر حلقه را در جای خود قرار دهیم و برای آینده دلیل اصلی قیام و ظهور حضرت را بیابیم و آنوقت از منتظران واقعی او باشیم. و این قضیه مشخص کننده خواهد بود برای این که به ستم بپذیریم یا به عدالت خواهیم.

باید تلاش کنیم روح توحید را در یابیم و عمق این معنا را حضرت علی و امام حسین (ع) می فهمیدند.

دکتر زنگویی در سوالی پرسیدند: چرا تحقق عدالت اجتماعی به حدی که مطلوب و مراد بوده توفیق نیافتیم؟

امام حسین (ع) آمد و شیپور جنگ با ستم را به صدا در آورد و شیپور عدالت خواهی را در عالم نواخت. گریه عارفانه بر حضرت ابوالفضل (ع) برای ایجاد جنبش و حرکت است. گریه ای که آغاز یک تحول نباشد گریه مطلوب عاشورایی نیست.

امام شهید شد برای عدالت اما ما فقط برای مظلومیت او گریه می کنیم و هیچ کار دیگری نمی کنیم. قیام امام حسین (ع) باید آگاه کننده و تغییر دهنده باشد.

منظور از عدالت خواهی این نیست که از دین فقط دنیا را به دست بیاوریم و دین ابزار دنیا طلبی باشد. برای عدالت طلب بودن بقیه موضوعات نباید با آن مخلوط شود.

شرح جلسه شب دوم

حجت الاسلام و المسلمین عماد در ادامه سخنرانی شان در شب دوم فرمودند: بحث شب گذشته روش شناسی در حوزه متولوژی اجتماعی را گفتیم. درست شناختن پدیده، مرزبندی بین دال اصلی و محوری با دال های جانبی و پیرامونی را در پی خواهد داشت.

اگر پدیده ای دارای حلقه های مختلفی است باید بین حلقه ها فاصله و نوبت رعایت شود و برای پرهیز از بروز مشکل نباید بر حسب تمایلات خود پدیده را تعریف کنیم.

این که قبل از پرداختن به جنبه معرفتی عاشورا به جنبه احساسی پرداخته شده، یک مسئله است که باید مورد بررسی و تغییر قرار گیرد.

ایشان به ذکر مثالی از حلامه حلی پرداختند که گفته شد: ((تا یک دارایی مال شما است و علاقه مندی شما وجود داشته باشد در پی حکم شرعی آن به صورت جستجو خواهی کرد که منفعت شما به خطر نیفتد)) منظور این که هر کس بنا به فہنم و منفعت خود پدیده ای را تعریف نکند.

اگر مرد میدان تحقیق هستیم و می خواهیم حق عاشورا ادا کنیم باید ابتدا حقیقت را ببینیم و آنچه می فهمیم به گفتگو و مشورت بگذاریم و آنچه دریافته شد اصلاح کنیم و بعد از پیرایش اساس کار و اقدام قرار دهیم. لازم است هر پدیده را در حوزه های مختلف مسیریابی کنیم.

در قضیه عاشورا سه ساحت عمده را باید برای خود در نظر بگیریم و حل کنیم:

۱- هستی شناختی عاشورا

۲- عرصه های احساسی، برانگیختگی، شوریدگی، اندوه، افسوس و...

۳- اقدام بر اساس این واقعه و اصل ماجرای آن

احساس برای ما معرفت ایجاد نمی کند بلکه معرفت است که احساس را می سازد و تصحیح می کند و انگیزه و شوریدگی ایجاد می کند.

احساس ماندگار مبتنی بر آگاهی و شناخت است. اگر در حوزه روش شناسی درست کار کنیم در حوزه معرفت شناسی هم با کم خطایی روبرو خواهیم بود. معرفت یابی بزرگ و کوچک نمی شناسد همه را شامل می شود.

در موضوع عاشورا و احساسات مربوط به آن مونولوگ وجود داشته یعنی یک نفر گوینده بوده و یک نفر هم خواسته شنونده باشد اگر این قضیه دیالوگ می بود و سوال شنونده و نظر او به مشورت گذاشته می شد این همه در سخن تغییر نمی بود و این همه در معنا تقصیر نمی بود.

در ساختن و پرداختن دو قضیه اساس است :

۱- موارد سازنده

۲- روش ساخت

این که به اشتباه می‌رسیم، یا داده‌ها درست نبوده یا روش ما در تحلیل صحیح نبوده است.

حوزه معرفت و حوزه احساس و حوزه اقدام را باید جدا در نظر گرفت که یک احساس کور به وجود نیاید، مثل یک ساختمان زیبا و بزرگ بر روی آب باشد یا زمین سست.

احساس اگر منبعث از آگاهی باشد هرگز به هم نمی‌ریزد. احساس می‌تواند کاتالیزور شتاب دهنده باشد برای اقدام آگاهانه و پر انگیزه که باید بعد از معرفت و آگاهی باشد.

تا وقتی آگاهی پیدا نشود نباید احساس را به میدان آورد. شیفتگی بیش از حد بر اساس فهم نادرست جامعه را به انحراف می‌رساند.

اگر عالم به خطا برود عالم به خطا رفته. در زیارات (برخی امامان) داریم که اگر زیارت کننده عارف به حق زیارت شونده باشد بهشت براو واجب است. یعنی اگر آگاهی داشته باشد در مورد آنچه می‌خواند و کسی که مورد نظر اوست حق او را خداوند بهشت معین کرده است.

دکتر زنگویی معاون فرهنگی و اجتماعی دانشگاه در ادامه جلسه گفت:

اقای شوشتری گفتند که کسی که آگاهی ندارد و مقتل نخوانده حق روضه خوانی و اجتهاد ندارد.

حجت الاسلام شهیدی گفته مختصر واقعه کربلا این که امام از مدینه به مکه و کربلا رفتند برای هدف خود و این همه حاشیه پردازی لازم نخواهد بود.

دکتر عماد در پاسخ به صحبت‌های دکتر زنگویی گفت:

گاهی شرح حال‌ها و نقل قول‌ها شبهاتی فراوان را شکل می‌دهد. گاهی شعر یک شاعر که خالی از اوهام و خیال نباشد می‌تواند ذهن شنونده فرهیخته را در اختیار بگیرد. از این بابت قرآن به شعر به عنوان سحر یاد کرده است.

در مورد عاشورا دو مبنای اساسی را باید در نظر گرفت یکی جامعه پردازی و یکی جامعه پذیری که هردوی اینها در چارچوب اندیشه باید اجرایی شود و در مراحل بعدی گفتمان به فرآیند و بعد به دستور العمل و بعد به دست نامه و بعد اجرایی شود.

یک نظریه داریم و یک برنامه ریزی عملیاتی. عاشورا یک برنامه ریزی است برای انسان که باید به برنامه عملیاتی تبدیل شود. و اگر همه احاد در این مسیر قرار بگیرند محقق می‌شود. اگر هر گروهی یک نظری داشته باشد و برنامه و فرآیند و نظام کنار آن نباشد محقق نمی‌شود.

حاکم عادل تعمد و تصمیم خروج از حق و شرع ندارد اما جلوی خطای خاکم غیر معصوم را نظارت مردم می‌گیرد. و ابزار آن امر به معروف و نهی از منکر است که جامعه را از ناعادلانه بودن مصون می‌دارد.

نظرات گوناگون در مورد امر به معروف و مصداق آن در جامعه وجود دارد و نظراتی چند گانه برای اولویت موضوعات.

